



## بیداری اسلامی در ایران (۱) و (۲)

علی اکبر ولایتی

شرق، ش ۵۲۵ و ۵۲۶، ۲۶ و ۲۷/۴/۸۴

آنچه در پی می‌آید گزارش مختصری است از یک مقاله مفصل دایرةالمعارفی که دکتر علی ولایتی در مورد مقوله بیداری اسلام در ایران نگاشته است.

در ادبیات سیاسی معاصر در ایران در پرتو وفاداری به مبانی دین اسلام، عامل اصلی بیداری مسلمانان، مواجهه آنان به عمق عقب‌ماندگی خود در برخی شئون در برابر غرب است. اگرچه موج بیداری اسلامی، امروز سراسر جهان را فرا گرفته است اما خاستگاه اصلی آن را چهار سرزمین مهم اسلامی در قرن گذشته - یعنی ایران، جهان عرب (عمدتاً مصر و شام)، ترکیه، (عثمانی) و هند - تشکیل می‌دهد. در هر یک از این چهار سرزمین می‌توان از حادثه یا حوادثی به عنوان مبدأ تاریخ بیداری و آشنایی با تمدن غرب و بالمآل بیداری یاد کرد. از باب نمونه شکست ایران در برابر روسیه، از دست رفتن بخشی از آذربایجان و متصرفات ایران در قفقاز و امضای دو معاهده گلستان و ترکمنچای و حمله ناپلئون به مصر و شام و تسلط استعمار انگلستان بر شبه قاره هند در برابر انگلستان از مهم‌ترین حوادثی است که موجب بیداری مسلمانان شد.

مهم‌ترین این حوادث پی بردن دولت‌مردان ایران به عمق عقب‌ماندگی کشور از پیشرفت‌های جهان از یک سو و حضور علمای دینی در صحنه سیاست از سوی دیگر بود. از این رو اقدامات و تلاش‌های در آن دوران به عمل آمد مانند فرستادن دانشجویان به خارج از کشور و استخدام مستشاران نظامی اروپایی، به وسیله عباس میرزا و لیعهد فتحعلی شاه و تأسیس دارالفنون به عنوان اولین مرکز آموزشی علوم جدید در ایران به دست امیر کبیر. همچنین در زمینه‌های فکری و فرهنگی نیز کسانی چون ملکم خان ناظم الدوله، فتحعلی آخوندزاده و دیگران با نوشتن مقاله، رساله، کتاب و طرح اندیشه‌های جدید کوشیدند که دولت و ملت ایران را به پیروی از غرب قانع کنند. اما به جهت اهمیت دین در جامعه ایران، برخی از روشن‌فکران سعی بر این داشتند که اصلاحات مورد نظر خویش را موافق با شریعت و سنت وانمود کنند.

شکست ایران از روسیه عامل مهمی در ورود علمای دینی به عرصه سیاست بود چرا که از دست دادن بخشی از «دارالسلام» به دست کفار بر مسلمانان، بنابر قاعده «نفی سبیل» از نظر علما حرام بود. از باب نمونه کاشف‌الخطاء علاوه بر صدور فتوای جهاد، ضرورت همکاری شیعیان با فتحعلی شاه در حفظ حدود و ثغور مسلمین و وجوب اطاعت از شاه در دفع کفار روسی را خواستار شد. از این رو علمای شیعه، کشته‌های جنگ با روسیه را «شهید» می‌دانستند. از سوی دیگر علمای و شیعه در پاسخ به حمله انگلستان به بوشهر و خارک در اقدامی هماهنگ مردم ایران را به جنگ فراخواندند. با شروع سلطنت ناصرالدین شاه و صدرات امیر کبیر جریان را کد مانده اصلاح‌طلبی در همه زمینه‌های اداری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و... دوباره به حرکت درآمد.

البته این حرکت با اصلاح‌طلبی دولت‌مردان بعدی نظیر سپهسالار تفاوت اساسی داشت. او به «اخذ تمدن فرهنگی بدون تصرف ایرانی» اعتقاد نداشت. او با به سفر بردن ناصرالدین شاه به اروپا و آشنا کردن او به تحولات و پیشرفت‌های جدید اروپا، توجه‌اش را به اصلاحات و اندیشه‌های جدیدی جلب کرد. البته اصلاحات او، غالباً صبغه غیر دینی داشت. اعطای امتیاز خط آهن به رویتر و اخذ وام از اروپا راه را برای ملاحظات بیگانگان در ایران هموار کرد و همین موجب مخالفت شدید علمای دین با او شد. از برکناری سپهسالار به بعد علما با هوشیاری و بیداری بیشتری تحولات کشور را دنبال می‌کردند. اوج این بیداری را در نهضت تنباکو می‌توان دید.

علما این امتیاز انحصار دخانیات را به شرکت انگلیسی، علاوه بر اثر زیان‌بار اقتصادی و تجاری، وسیله‌ای برای تسلط بیشتر بیگانگان بر کشور ارزیابی می‌کردند. لذا دولت‌مردان در برابر مقابله و سرسختی علما به خصوص ضربه اساسی مجتهد بزرگ، حاج میرزا حسن

شیرازی در صدور فتوای تحریم استعمال دخانیات، تاب و تحمل نیاوردند و چاره‌ای جز لغو این امتیاز ندیدند. این پیروزی نشان‌دهنده قدرت بلامانع روحانیت شیعه در تعیین مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی و پیش درآمد انقلاب مشروطیت بود.

نویسنده محترم، در ادامه به نقش افکار و اندیشه‌های بیدادگرانه سید جمال‌الدین اسدآبادی در عصر ناصری می‌پردازد و مهم‌ترین اندیشه او را نظریه اتحاد اسلامی می‌داند. جمال‌الدین عقب‌ماندگی مسلمانان را در تفرقه و تعصب و دور شدن از اسلام و قرآن می‌دانست. وی در برانگیختن روح اعتراض در مردم در سال‌های منتهی به مشروطیت سهم بسیاری داشت.

وی در بخش دیگری یکی دیگر از تحولات بسیار مهم را که نقش مهمی در بیداری مسلمانان داشت انقلاب مشروطیت برمی‌شمرد. انقلاب مشروطیت نه تنها از آن جهت اهمیت دارد که بارهبری و پشتیبانی روحانیت به پیروزی رسید، بلکه اهمیت ویژه‌اش در آن است که روحانیت در این انقلاب رویکردی جدید به سیاست اتخاذ کرد و دست به نظریه‌پردازی زد و کوشید تا اصول مشروطیت را با فقه شیعی سازگار نماید و هم‌سازی آنرا تبیین و توجیه کند در این باره کتاب‌های مانند تنبیه الامه و تنزیه المله از آیت الله نائینی نیز منتشر شد. این انقلاب که از همان آغاز پیروزی دچار اختلاف و مشکلاتی بین علما و رهبران مشروطه شد، موجب ناکامی این حرکت شد و همین مسئله موجب دلسردی چندین دهه نهاد رسمی روحانیت از حضور و مداخله مستقیم در صحنه شد.

در فاصله جنگ جهانی اول تا کودتای ۱۲۹۹ ش چندین نهضت مهم موجب بیداری مسلمانان شد که عبارتند از: ۱. قیام رئیس علی دلواری در جنوب ایران بر ضد انگلیس؛ ۲. نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در گیلان؛ ۳. قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان.

نویسنده در ادامه به نقش روحانیت در زمان استبداد رضاخان در ایران پرداخته و مهم‌ترین و کارآمدترین مخالف شاه را در دوره دیکتاتوری بیست ساله، سید حسن مدرس می‌داند. در این میان به مبارزات و اعتراضات علمانی چون آقا نورالله اصفهانی، آیت‌الله محمدتقی بافقی و آیت‌الله طباطبائی قمی در مناسبت‌های مختلف که منجر به کشته و تبعید و زندانی شدن آنها شده اشاره می‌کند.

سیاست فرهنگی رضاشاه آشکارا اسلام ستیز بود که از جمله آنها کشف اجباری حجاب بود که با نارضایتی شدید مردم، روبه‌رو شد. علاوه بر آن رسماً نوعی ملی‌گرایی تبلیغ می‌شد که مبتنی بر دست‌کم گرفتن دوره اسلامی تاریخ ایران و تعظیم و تجلیل تمدن ایران باستان بود.

ایشان در بخش دیگر از مطالب خویش، تأسیس حوزه علمیه قم به دست آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری را یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ معاصر ایران دانسته و می‌نویسد اگر چه این امر با آغاز دیکتاتوری رضاخان همراه بود اما آیت‌الله حائری با اجتناب از هرگونه مداخله در سیاست و پرهیز از درگیری با حکومت با پیش گرفتن سیاست صبر و حوصله توانست پایه‌های حوزه علمیه را استوار سازد. پس از سقوط رضاخان و شکست بیست ساله دیکتاتوری، علمای حوزه علمیه با چالش عمده دیگری همچون کمونیسم و افکار چپ و حزب توده و کسروی‌گرایی مواجه شد و از آن طرف عده‌ای از دانشجویان مسلمان، برای مبارزه با نیروهای غیر اسلامی، در سال ۱۳۲۰ ش انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کردند. مهم‌ترین دغدغه روشن‌فکری دینی ایران در آن سال‌ها ارائه چهره تازه‌ای از اسلام بود که سازگار با مقتضیات زمان و علوم جدید و پاسخ‌گو به مشکلات و نیازهای فکری نسل جوان باشد. پایه‌گذار روشن‌فکری دینی جدید ایران، مهدی بازرگان بود. محور عمده آثار او اثبات حقانیت اسلام از راه علوم تجربی و ریاضیات و معاونت و هماهنگی احکام اسلام با دانش‌های جدید و نیز اثبات توانایی اسلام برای اداره جامعه است.

دیگر چهره پیشگام بیداری اسلامی ایران، آیت‌الله طالقانی است. او برای آشنایی نسل جوان با حقیقت اسلام جلسات تفسیر مخفیانه‌ای تشکیل داد. علاوه بر آن با انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن اسلامی مهندسين همکاری داشت.

در زمستان ۱۳۳۷، چند تن از فضلاء نواندیش حوزه مجله درس‌هایی از مکتب اسلام را پایه‌گذاری کردند که با حمایت آیت‌الله بروجردی و با استقبال فراوان نسل جوان در ایران و کشورهای اروپایی مواجه شد. آیت‌الله بروجردی از اندیشه تقرب مذاهب اسلامی طرف‌داری می‌کرد و به ابتکار او باب مرآده میان حوزه قم و دانشگاه الازهر مصر گشوده شد.

جناب دکتر در ادامه به نقش و فعالیت‌های مبارزاتی و سیاسی آیت‌الله کاشانی اشاره کرد که در نهایت به همکاری و همراهی او با جبهه ملی و دکتر مصدق در نهضت ملی کردن صنعت نفت انجامید. مهم‌ترین نیروی مذهبی آن سال‌ها جمعیت فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی بود که حضور خود را با ترور کسروی آغاز کرد.

یکی دیگر از عوامل بیداری اسلامی در ایران در سال ۱۳۲۶ مسئله فلسطین و مبارزه با صهیونیسم بود که با اعلامیه و اعتراضات آیت‌الله کاشانی و سخنرانی‌های آقای فلسفی و حمایت فدائیان اسلام شروع شد و موجب شد پنج هزار داوطلب برای شرکت در جنگ با اسرائیل ثبت نام کنند. یک ماه پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، بازرگان، طالقانی و سحابی و چند تن دیگر «نهضت آزادی ایران» را پایه‌گذاری کردند. که بعدها بر اثر

فعالیت‌های سیاسی و انتشار اعلامیه‌های تند و سخنرانی‌ها، سران آن دستگیر و به زندان‌های درازمدت محکوم شدند.

نویسنده محترم در فرازهای بعدی مطالب خویش به نقش و جایگاه و شروع فعالیت‌های امام خمینی پرداخته است و ورود امام به عرصه مرجعیت و رهبری را سر آغاز تحولات بزرگی در ایران می‌داند. نخستین فعالیت سیاسی امام مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که دولت مجبور به عقب‌نشینی شد. این موفقیت، توجه مردم و فعالان سیاسی را به وی جلب کرد. ادامه مخالفت‌های امام با سیاست‌های شاه منجر به دستگیری وی و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد. و همین مسئله موجب بیدارتر شدن مردم شد. و سه ماه بعد از تبعید امام منصور نخست‌وزیر وقت به دست «هیأت‌های مؤتلفه اسلامی» ترور شد.

مهم‌ترین مواضع سیاسی امام، در تحولات سیاسی ایران تا قبل از ۱۳۵۶ ش عبارت‌اند از: ۱. محکوم کردن جشن‌های پُر خرج تاج‌گذاری شاه و همسرش؛ ۲. حمایت از مبارزان فلسطین و اجازه صرف وجوه شرعی برای آزادی فلسطین؛ ۳. محکوم کردن جشن‌های پیر هزینه بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران؛ ۴. تحریم عضویت در حزب رستاخیز. تحول مهم دیگر در این زمان، طرح مباحث اصلاح طلبانه درباره سازمان روحانیت بود. طالقانی، مطهری و بهشتی برجسته‌ترین روحانیونی بودند که اندیشه‌های اصلاحی خود را درباره مرجعیت و روحانیت مطرح کردند. برجسته‌ترین شاگرد امام، که با افکار و اندیشه‌های خود به مبارزه علمی با نظریات ضد دینی پرداخت شهید مطهری بود. در اواخر دهه ۱۳۴۰ حسینیه ارشاد نیز به یکی از کانون‌های مهم و تأثیرگذار در جامعه ایران تبدیل شد که افرادی چون مطهری، شریعتی، باهنر، حسین نصر در آن به فعالیت‌هایی از قبیل انتشار مقالات، کتاب و سخنرانی‌های مذهبی، مشغول شدند.

دکتر شریعتی با بیان شیوا و قلمی روان و جذاب به بازآفرینی تعاریف مفاهیم مذهبی سنتی و ارائه آن در قالبی نو و جامعه‌شناختی، موجی بلند در جامعه ایران به ویژه در میان نسل جوان ایجاد کرد.

## فراز و فرود مشروطیت در ایران

بازتاب اندیشه ۶۵

کزارش‌ها

عبدالله شهبازی

ایام، ش ۸ مرداد ۸۳



این مقاله حاصل گفت‌وگویی با استاد عبدالله شهبازی درباره تاریخ مشروطه ایران است که ایشان به سؤالات مختلف پیرامون مشروطه پاسخ داده‌اند.